

الگوی اسلامی تعادل بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی در جهت پیشرفت

محمدحسین ناظمی اشنی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت با نگاه به تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی آنها در جامعه می‌پردازد. رفتار مناسب زنان در جامعه، یکی از جلوه‌های سبک زندگی اسلامی است. تبیین این رفتار در قالب احکام شرعی، بر عهده‌ی علم فقه است که در عصر حاضر با چالش‌هایی روبرو است. گام برداشتن فقه در جهت مصونیت زنان از آفات فعالیت‌های اجتماعی، سبک زندگی اسلامی را متهم به مردسالاری نموده است. این مقاله جهت برطرف کردن این اتهام، با روش توصیفی تحلیلی به اهمیت حفظ آراستگی زن در سبک زندگی اسلامی به عنوان الگویی اسلامی جهت تعادل بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی در جهت پیشرفت، می‌پردازد. برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. شریعت اسلامی به رغم اینکه، سرمایه‌های اصلی و ماندگار آدمی را کمالات اکتسابی و معنوی می‌داند، اما هم زیبایی را در زنان به رسمیت شناخته و هم به حس زیباگرایی آنان توجه نموده است. استحباب کوتاه نکردن کامل ناخن، حرمت تراشیدن موی سر در حج، اجازه پوشش ابریشم و استفاده از طلا در حال احرام، کراهت نمازخواندن بدون زینت، قرار دادن زیبایی زن یکی از ملاک‌های تعیین مهر المثل، جعل دیه یا قصاص برای زائل نمودن موی سر زنان با اینکه ریشه مواز بین نرفته، از مواردی است که فقه در جهت زیباگرایی زنان به آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، آراستگی زن، سبک زندگی اسلامی، فقه، مردسالاری

۱. استادیار گروه معارف، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان سمنان، ایران m.h.nazemi@cfu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

اسلام از طرف جنبش‌های زن‌گرایانه (فمنیسم) متهم به مردسالاری است. هنگامی که کاربرد واژه‌ی فمنیسم در آمریکای قرن نوزدهم برای جنبش زنان رواج یافت، مجموعه‌ی گوناگونی از گروه‌ها را شامل می‌شد که با روش‌هایی متفاوت، در پی ارتقای موقعیت زنان بودند، ولی در اوایل قرن بیستم در آمریکا به طور انحصاری به گروه خاصی از طرفداران حقوق زن که بر همنابیی و خلوص ویژه‌ی زنان و تجربه‌ی اسرارآمیز مادری تأکید داشتند، اطلاق می‌شد (جگر، ۱۳۷۸).

امروزه آموزه‌های فمنیسم، بسیاری از مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و به بسیاری از علوم و معارف، به ویژه علوم انسانی، از جمله فلسفه، معرفت‌شناسی، الهیات، اخلاق، حقوق، زبان‌شناسی، ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی و روان‌شناسی راه یافته است. ادعای کلی فمنیست‌ها در تمام حوزه‌های معرفتی یاد شده، این است که دانش‌های مزبور، بیانگر دیدگاه‌های مردانه هستند، چون از سوی مردان ایجاد شده و گسترش یافته‌اند. در نتیجه، زنان نه حضور چشمگیر و جایگاه مثبتی در آنها داشته، نه دیدگاه‌های آنان مورد توجه قرار می‌گیرد. چنانچه بحثی هم درباره زنان صورت می‌گیرد، به عنوان متعلق شناخت و از دیدگاه مردانه به آنها پرداخته می‌شود (کد، ۱۳۸۲).

در مقابل جنبش فمنیسم، فرهنگ اسلامی است که تعادل در اهتمام به علایق فردی زنان و شرایط اجتماعی جامعه، ویژگی منحصر به فرد آن است. از ویژگی‌های زندگی اجتماعی مورد تأیید اسلام، تعامل زن و مرد با یکدیگر است. آیاتی از قرآن کریم که به تعاون (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲) تکامل و مواسات میان جامعه‌ی مسلمانان (سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰) و نیز غیر مسلمانان (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴) توصیه می‌کنند؛ لازمه‌ی آن، ارتباط اجتماعی بین آحاد جامعه، از جمله زن و مرد است. از این رو اباحه ارتباط زن و مرد به عنوان اصل اولیه، پذیرفته شده است جز اینکه دستور دیگری از سوی شارع در مغایرت با آن صادر شود. در سبک زندگی اسلامی برای سامان یافتن روابط اجتماعی، مقرراتی جعل شده است تا سلامت آن را تضمین کند، رعایت عفت، یکی از این ضوابط است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶). زن و مرد مسلمان در ارتباط با یکدیگر باید عفت ورزیده و پاکدامن باشند (سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۳).

در روایات اسلامی، عفت، برترین عبادت دانسته شده و برترین نوع عفت، خویش‌نهادن در شهوت و خوردن، یاد شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۲۰۳). همین فرهنگ اسلامی که عفت را مطرح نموده، حس زیباگرایی زنان را هم معتبر دانسته است. خداوند متعال در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی

زخرف به علاقه‌ی زنان به زینت و زیور اشاره نموده است. برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. شریعت اسلامی به رغم اینکه سرمایه‌های اصلی و ماندگار آدمی را کمالات اکتسابی و معنوی می‌داند، اما هم زیبایی را در زنان به رسمیت شناخته و هم به حس زیباگرایی آنان توجه نموده است. این پژوهش جهت اثبات تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی و شرایط اجتماعی جامعه تدوین شده است.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

بیان احکام اسلامی پیرامون حفظ آراستگی زنان، شناخت جایگاه حفظ آراستگی زنان در سبک زندگی اسلامی و اثبات تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی آنها در جامعه از اهداف این مطالعه می‌باشد. این مقاله تلاش می‌نماید تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد.

- احکام اسلامی پیرامون حفظ آراستگی زنان، کدامند؟
- جایگاه حفظ آراستگی زنان در سبک زندگی اسلامی چیست؟
- تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی آنها در جامعه را بیان نمایید؟

۳. پیشینه پژوهش

در این قسمت به برخی از مقالات، پیرامون جایگاه زنان در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت با نگاه به سبک زندگی اشاره می‌شود. مقاله‌ی «سبک زندگی و پوشش زنان (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)» به جایگاه پوشش زنان در سبک زندگی با نگاه به دانشجویان یک دانشگاه خاص می‌پردازد. این مقاله نوشته مریم ایمانی و سروش فتحی است. مقاله‌ی «تحصیل زنان و سبک زندگی، آسیب‌ها و راهکارها» نوشته راضیه علی اکبری و حمید ملک مکان، به بررسی جایگاه آسیب‌ها و راهکارهای تحصیل زنان در سبک زندگی اسلامی می‌پردازد. مقاله‌ی «بررسی تأثیر ابعاد فرهنگی جهانی شدن بر فرهنگ زنان (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)» نوشته‌ی یگانه فینی و همکارانش به بررسی تغییر فرهنگ زنان بر

اثر تهاجم فرهنگی با نگاه به دانشجویان خاص یک دانشگاه می پردازد و مقاله‌ی «راهکارهای مدیریت اقتصادی زنان در سبک زندگی اسلامی» نوشته‌ی طاهره سلیمانی و همکاران به جایگاه مدیریت اقتصادی زنان در سبک زندگی اسلامی اشاره دارد.

اما، پژوهش حاضر به الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی با نگاه به تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی آنها در جامعه می پردازد.

۴. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به اهمیت حفظ آراستگی زن در سبک زندگی اسلامی به عنوان الگوی اسلامی جهت تعادل بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی در جهت پیشرفت، می پردازد.

۵. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

الف- سبک زندگی اسلامی

بر خلاف اصطلاح سبک زندگی که کاملاً، نوظهور است، مباحث اساسی سبک زندگی از طریق بیان تفصیلی اجزای دین که مبدا و منشاء سبک زندگی اسلامی می باشند، توسط رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) بیان شده اند. برخی از این رهنمون ها را علمای دین جمع آوری نموده اند. همچنان که، مرحوم علامه طباطبایی سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) در مسائل فردی و اجتماعی را در کتاب سنن النبی (ص) گردآوری نمودند (طباطبایی، ۱۳۸۲). همچنین اندیشمندان دین شرح های مختلفی بر کتاب شریف رساله‌ی حقوق امام سجاده (ع) نگاشتند (صدوق، ۱۴۱۳ق). مرحوم ملاهادی تراقی در «معراج السعاده» و محمد باقر مجلسی در «حلیه المتقین» بسیاری از مباحث سبک زندگی را به روش سنتی بیان کرده و راهکارهای رسیدن به سبک زندگی را بیان کرده اند.

در واقع باید گفت؛ اسلام مکتب جامعی است که تمام نیازمندی های مادی و معنوی انسان در دستورات و احکام آن لحاظ شده است. از کلی ترین مسائل فلسفی گرفته تا جزئی ترین موضوعات نگرشی و رفتاری را در خود جای داده است. اسلام در خصوص سبک زندگی انسان، سبک خاصی را ارائه نموده که سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت را تأمین می کند و تمام

نیازمندی‌های مادی و معنوی انسان در دستورات آن لحاظ شده است. این سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی است (عزتی و شهریار، ۱۳۹۱: ۳۲). سبک زندگی اسلامی متشکل از سه جزء اصلی اعتقادات اسلامی، اخلاقیات اسلامی و احکام اسلامی بوده که تمام جوانب زندگی یک فرد مسلمان را دربر می‌گیرد.

سبک زندگی، واژه‌ای است که ابتدا در ادبیات فرهنگ مدرن متولد شد. حدود دو قرن پیش واژه‌ای تحت عنوان سبک زندگی وجود نداشت، ولی از آنجا که در طول تاریخ و در تمام جوامع، زندگی انسان‌ها همواره بر اساس مجموعه‌ای از قواعد معین و منظم بوده است، پس به طور طبیعی می‌توان گفت که زندگی انسان‌ها، همواره با نوعی سبک همراه بوده است (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۱۰). وبر واژه‌ی سبک زندگی را شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده‌ی گروه‌های منزلتی متفاوت باشند، بیان می‌کند (تامین، ۱۳۸۵: ۴۳).

ب - فقه

در لغت به معنای مطلق فهم یا فهم دقیق مسائل نظری است و در اصطلاح، دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آنهاست. بنابراین، فقه مطلق دانستن احکام نیست؛ بلکه دانستن استدلالی احکام است، یعنی دانستن از روی ادله و وسائط در اثبات آنها نه وسائط در ثبوت (گرچی، ۱۳۹۸، ۱۰).

ج - فمینیسم

این واژه در فارسی، زن‌گرایی یا اصالت زن ترجمه می‌شود و از ریشه‌ی لاتین (femina) به معنای مؤنث مشتق شده است. این واژه، نخستین بار در سال ۱۸۷۱ میلادی در یک متن پزشکی فرانسوی بکار رفته و به نوعی وقفه در رشد اندام‌ها و ویژگی‌های جنسی بیماران مردی اشاره داشت که تصور می‌شد از خصوصیت زنانه یافتن تن خود رنج می‌برند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴). بعدها، واژه‌ی مزبور در اصطلاح سیاسی بکار رفت، هر چند تلقی واحدی از آن وجود نداشت و از آغاز تاکنون معانی و تعریف‌های گوناگونی از آن مورد نظر بوده است (ویلفورد، ۱۳۷۸: ۳۰). هنگامی که کاربرد واژه‌ی فمینیسم در آمریکای قرن نوزدهم برای جنبش

زنان رواج یافت، مجموعه‌ی گوناگونی از گروه‌ها را شامل می‌شد که با روش‌هایی متفاوت، در پی ارتقای موقعیت زنان بودند، ولی در اوایل قرن بیستم در آمریکا به طور انحصاری به گروه خاصی از طرفداران حقوق زن که بر همتایی و خلوص ویژه‌ی زنان و تجربه اسرارآمیز مادری تأکید داشتند، اطلاق می‌شد (جگر، ۱۳۷۸: ۶۱)

۵. یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال اول که احکام اسلامی پیرامون حفظ آراستگی زنان، کدامند؟ پیامبر اکرم (ص) به زعم تأکید به گرفتن ناخن‌ها و اینکه کوتاهی مردم در انجام این وظیفه باعث جلوگیری از قطع وحی خواهد شد، به زنان فرمودند: مقداری از ناخن‌های خود را نگه دارند چون برای آنان زیباتر است. همچنین، در شریعت اسلامی به زعم اینکه پوشش ابریشم و استفاده از طلا برای مردان حرام است، زنان مجاز به استفاده از آن هستند. افزون بر این، فقیهان یک ملاک در محاسبه‌ی مهرالمثل را زیبایی زن شمرده‌اند یا آنکه حکم به قصاص یا دیه موی سر را در مردان، به موردی محدود دانسته‌اند که دیگر امکان رویش موی سر نباشد، ولی در مورد زنان حتی اگر ریشه‌های مواز بین نرفته و امکان رویش دوباره هم داشته باشد، آن را مورد دیه دانسته و مقدار آن برابر با مهرالمثل وی خواهد بود. در مراسم حج، زنان موظف به تراشیدن سر نبوده و تنها باید کمی از ناخن یا موی خود را کوتاه کنند و تراشیدن موی سر بر زنان حرام می‌باشد.

در پاسخ به سؤال دوم که جایگاه حفظ آراستگی زنان در سبک زندگی اسلامی چیست؟ باید گفت؛ این پژوهش جهت اثبات تعادل سبک زندگی اسلامی بین علایق فردی و شرایط اجتماعی جامعه تدوین شده است و هفت مورد از احکام شرعی مرتبط با این زمینه، مورد کنکاش فقهی در ادله معتبره قرار گرفته است.

الف- استحباب کوتاه نکردن کامل ناخن برای زنان

پیامبر اکرم (ص) به زعم تأکید به گرفتن ناخن‌ها و اینکه کوتاهی مردم در انجام این وظیفه باعث

جلوگیری از قطع وحی خواهد شد^۱ به زنان فرمودند: مقداری از ناخن‌های خود را نگه دارند، چون برای آنان زیباتر است. این حدیث از کلینی نقل شده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظْفَارَكُمْ وَلِلنِّسَاءِ اتْرُكْنَ مِنْ أَظْفَارِكُنَّ فَإِنَّهُ أَرْزِينُ لَكُنَّ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱۴۱). از این روایت، حکم استحباب کوتاه نکردن کامل ناخن استفاده شده است (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۶). سبزواری در «مذهب الاحکام» می‌نویسد: کوتاه کردن ناخن‌ها مستحب است و ترک آن مکروه است. این حکم در مورد زنان، مورد تأکید نیست، ولی باید زیر ناخن را تمیز نگه دارند^۲ (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۴۸۴). مشابه این مورد در فقه اسلامی یافت می‌شود، مانند استحباب حنا گذاشتن زنان بر دستانشان. امام باقر (ع) می‌فرماید: سزاوار است زنان دستانشان را با حنا خضاب کنند، هر چند سالمند باشند^۳ (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۱۶۷). در روایت دیگری راوی از امام صادق (ع) پرسیده است: آیا زینت کردن و استعمال بوی خوش در روز جمعه و عید فطر و قربان برای زنان همانند مردان لازم است؟ فرمودند: آری^۴ (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۲۴).

ب- قرار دادن دیه برای از بین بردن موی زن با وجود رویش مجدد مو

در احکام جزایی اسلام، حکم به دیه موی سر را در مردان، به موردی محدود دانسته‌اند که دیگر امکان رویش موی سر نباشد، ولی در مورد زنان حتی اگر ریشه‌های مو از بین نرفته و امکان رویش دوباره هم داشته باشد، آن را مورد دیه دانسته و مقدار آن برابر با مهرالمثل وی خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۱). دلیل این حکم، علاوه بر اجماع، خبر عبدالله بن سنان است. (...قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَمَا عَلَى رَجُلٍ وَتَبَّ عَلَى امْرَأَةٍ فَحَلَقَ رَأْسَهَا قَالَ يُضْرَبُ صَرْبًا وَجِيعًا وَيُحْبَسُ فِي سِجْنِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَسْتَبْرَأَ شَعْرَهَا فَإِنْ تَبَّتْ أَخَذَ مِنْهُ مَهْرُ نِسَائِهَا وَإِنْ لَمْ يَنْبُتْ أَخَذَ مِنْهُ الدِّيَّةُ

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ ابْنِ الْقَدَاحِ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «أَحْتَبَسُ الْوُحْيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقِيلَ لَهُ: أَحْتَبَسُ الْوُحْيَ عَنْكَ؟ فَقَالَ: وَكَيْفَ لَا يَحْتَبَسُ وَأَنْتُمْ لَا تَقْلَمُونَ أَظْفَارَكُمْ، وَلَا تُنْقَوْنَ رَوَاجِبَكُمْ

۲. يستحب تقليم الأظفار ويكره تركه ولا يتأكد للنساء لكن مع التحفظ على نظافة ما تحتها.

۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَدَعَ يَدَيْهَا مِنَ الْخِصَابِ وَلَوْ أَنْ تَمْسَحَهُمَا بِالْحِنَاءِ مَسْحًا وَلَوْ كَانَتْ مُسِنَّةً

۴. سَأَلَتْهُ عَنِ النِّسَاءِ، هَلْ عَلَيْهِنَ مِنَ التَّطْيِيبِ وَالتَّرْتِيبِ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ مَا عَلَى الرِّجَالِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

كَامِلَةً خَمْسَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ قُلْتُ فَكَيْفَ مَهْرُ نِسَائِهَا إِنْ نَبَتَ شَعْرُهَا فَقَالَ يَا ابْنَ سِنَانٍ إِنَّ شَعْرَ الْمَرْأَةِ وَعَذْرَتَهَا شَرِيكَانِ فِي الْجَمَالِ فَإِذَا ذَهَبَ بِأَحَدِهِمَا وَجَبَ لَهَا الْمَهْرُ كَامِلًا (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶۴)

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) می پرسد: فدایت شوم، حکم مردی که به زنی هجوم آورده و موی او را تراشیده است، چیست؟ امام صادق (ع) می فرماید: این مرد باید به طور دردناکی زده شود (کنایه از شلاق) و در زندان مسلمان ها نگهداری شود تا معلوم شود آیا موی سر آن زن می روید یا خیر؟ اگر مجدداً رویش کرد، پس مهر المثل آن زن، باید توسط مرد هجوم آورنده پرداخت شود (بابت دیه)، اگر موی زن مجدداً رویش نکرد، کل دیه زن از او گرفته می شود. عبدالله بن سنان می پرسد که چطور وقتی موی زن مجدداً رویش کرده، باید مهر المثل پرداخت شود؟ حضرت در جواب می فرماید: موی زن در زیبایی زن شریک است؛ اگر یکی از آنها رفت، مهر المثل کامل باید پرداخت شود.

امادر مورد جنایت بر موی مرد اگر دوباره بروید، فقها ارش را قرار داده اند، چون از طرف شارع مقدار خاصی مشخص نشده است. اگر مجدداً نروید، طبق روایت محمد بن حسن صفار (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۵۹۰) دیه کامل مقدر شده است (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۹۸).^۲

ج. اجازه پوشش ابریشم در نماز و احرام

زن می تواند حتی در هنگام نماز، لباس ابریشمی به تن کند، ولی مرد جز در مورد جنگ یا شرایط ضروری مجاز به پوشیدن لباس ابریشمی خالص نیست (خویی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۹).^۳ جواز پوشش

۱. محمد بن الحسن الصفار عن محمد ابن الحسين عن جعفر بن بشير عن هشام بن سالم عن سليمان بن خالد قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام رجل دخل الحمام فصب عليه ماء حار فامتعت شعر رأسه و لحيته فلا ينبت أبداً قال عليه الدية.

۲. المشهور بين الأصحاب أن في شعر الرأس إن لم ينبت الدية. و به روايات، منها حسنة سليمان بن خالد قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل دخل الحمام فصب صاحب الحمام عليه ماء حاراً، فامتعت شعر رأسه و لحيته فلا ينبت أبداً، قال: عليه الدية» و أما إذا نبت... ففيه أقوال: أحدها- و هو الذي اختاره المصنف-: الأرض، لأنه الواجب حيث لا يثبت له تقدير شرعاً.

۳. الخامس: يشترط في لباس المصلي أن لا يكون من الذهب للرجال و لو كان حلياً كالخاتم و يجوز ذلك كله للنساء... لا يجوز للرجال لبس الذهب في غير الصلاة أيضاً و فاعل ذلك آثم، و الظاهر عدم حرمة التزين بالذهب فيما لا يصدق عليه اللبس. السادس: يشترط في لباس المصلي أن لا يكون من الحرير الخالص للرجال و لا يجوز لبسه في غير الصلاة أيضاً كالذهب، نعم لا بأس به في الحرب و الضرورة كالبرد و المرض حتى في الصلاة.

ابریشم برای زن از روایت «ابن بکیر» قابل استفاده است. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَلْبَسُ الرَّجُلُ الْحَرِيرَ وَالدِّيْبَاجَ إِلَّا فِي الْحَرْبِ»». (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۳) امام صادق (ع) فرمودند: مرد لباس ابریشم نپوشد، مگر در حال جنگ (اضطرار)؛ با توجه به اینکه حضرت (ع) در مقام بیان بوده است و فقط نام مرد را آورده، پس معلوم می شود که پوشیدن لباس ابریشم برای زن جایز است. طبق نظر بعضی از فقها، زن در حالت احرام نیز می تواند، لباس ابریشمی بر تن نماید. البته بعضی از فقها آن را مکروه و بعضی دیگر حرام می دانند. شیخ مفید می فرماید: «لِلنِّسَاءِ أَنْ يَحْرِمْنَ فِي الْحَرِيرِ وَالدِّيْبَاجِ وَنَحْوِهِ وَ لَا يَحِلُّ ذَلِكَ لِلرِّجَالِ»، زنان می توانند در لباس ابریشمی مُحَرَّم شوند ولی برای مردان جایز نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵). ابن ادریس می نویسد: «فَأَمَّا النِّسَاءُ، فَلَا فُضْلَ لِهِنَّ الثِّيَابِ الْبَيَاضِ مِنَ الْقَطَنِ وَ الْكُتَانِ، وَ يَجُوزُ لِهِنَّ الْإِحْرَامُ فِي الثِّيَابِ الْإِبْرِيسِمِ الْمَحْضِ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ فِيهَا جَائِزَةٌ لِهِنَّ، لِأَنَّ حُظْرَ الْإِحْرَامِ لِهِنَّ فِي الْإِبْرِيسِمِ، بِحِثِّاجٍ إِلَى دَلِيلٍ، وَ لَا دَلِيلَ عَلَى ذَلِكَ، وَ الْأَصْلُ بَرَاءَةُ الذِّمَّةِ، وَ صَحَّةُ التَّصَرُّفِ فِي الْمَلِكِ، وَ حَمْلُ ذَلِكَ عَلَى الرِّجَالِ قِيَاسٌ وَ نَحْنُ لَا نَقُولُ بِهِ»، لباس احرام زنان بهتر است از پنبه یا کتان باشد. ابریشم خالص نیز می توانند بپوشند، چون نماز با این نوع لباس صحیح است و دلیلی بر ممنوعیت آن نیست و اصل بر براءت ذمه‌ی زن است. در ضمن، تصرف زن در ملک خودش صحیح است و می تواند لباس ابریشمی تن کند. اینکه ابریشم بر مردان جایز نیست، قابل قیاس با زن نیست (حلی، ۱۴۱۰ق: ۵۳۱). علامه در «تذکره»، پوشیدن لباس ابریشم در حال احرام را برای زنان مکروه می داند: «فَإِنَّهُ يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ لِبْسَ الْخَاتَمِ مِنَ الذَّهَبِ، لِلْأَصْلِ وَ لِأَنَّهُ يَجُوزُ لَهَا لِبْسُهُ حَالَةَ الْإِحْلَالِ، فَيَسْتَصْحَبُ الْحُكْمَ مَا لَمْ يَقْصِدْ بِهِ الزَّيْنَةَ. إِذَا عُرِفَتْ هَذَا، فَيَجُوزُ أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ الْحَرِيرَ حَالَةَ الْإِحْرَامِ عَلَى كَرَاهِيَةٍ، وَ لَا يَكْرَهُ الذَّهَبُ وَ الْخَزَّ، لِقَوْلِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا بَأْسَ أَنْ تَحْرِمَ الْمَرْأَةُ فِي الذَّهَبِ وَ الْخَزِّ، وَ لَيْسَ يَكْرَهُ إِلَّا الْحَرِيرَ الْمَحْضُ»». برای زن در حال احرام پوشیدن انگشتر طلا جایز است، چون مقتضای اصل براءت است. دلیل دوم، اینکه قبل از احرام این پوشش جایز بود، الان نیز جایز است تا زمانی که قصد زینت نداشته باشد. با همین ادله پوشیدن لباس ابریشمی در حال احرام بر زنان جایز است، البته مکروه است. اما، پوشش طلا و خز بر زنان مکروه نیست، چون امام صادق (ع) می فرماید: پوشش طلا و خز برای زن در حال احرام جایز است و فقط لباس ابریشمی مکروه است (حلی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۰). شیخ طوسی قائل به حرمت پوشش ابریشم برای زنان در حال احرام

است و می نویسد: «یحرم علی المرأة فی حال الإحرام جميع ما یحرم علی الرجل، و یحل لها، ما یحل له، وقد رخص لها فی القميص و السراويل» (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۳۲۰). در حال احرام آنچه برای مردان حرام است، برای زنان نیز حرام و آنچه برای مردان حلال، برای زنان نیز حلال است. شهید اول (ره) نیز قائل به حرمت پوشش ابریشم برای زنان در حال احرام است و بیان می کند که روایات حرمت اشهر است (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۴).

د. جواز استفاده از طلا و کراهت نماز زنان بدون زینت

استفاده از طلا نیز برای زنان نه تنها اشکالی ندارد، بلکه نمازگزاردن آنان بدون زینت کراهت دارد^۱ (نراقی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۸). از ادله‌ی جواز استفاده طلا توسط خانم‌ها، روایت «نمیری» از امام صادق (ع) است که می فرماید: «فِی الْحَدِیدِ إِنَّهُ حِلٌّ لَأَهْلِ النَّارِ وَ الذَّهَبِ إِنَّهُ حِلٌّ لَأَهْلِ الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الذَّهَبَ فِی الدُّنْیَا زِینَةً لِلنِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَی الرَّجَالِ لُبْسَهُ وَ الصَّلَاةَ فِیهِ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۴). امام صادق (ع) می فرماید: آهن زینت اهل جهنم و طلا زینت اهل بهشت است و خداوند طلا را زینت زنان در دنیا قرار داده و نماز خواندن با طلا و پوشیدن آن را بر مردان حرام نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۴۲۷).

مورد بعدی روایت «ابی الصلاح» است: «مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِیٍّ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الذَّهَبِ یُحَلَّى بِهِ الصَّبِیَّانَ فَقَالَ كَانَ عَلَیَّ ع- یُحَلَّى وَلَدَهُ وَ نِسَاءَهُ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۲). ابی الصلاح نقل می کند که از امام صادق (ع) پرسیدم آیا بچه های غیر بالغ می توانند از طلا استفاده نمایند؟ فرمودند: حضرت علی (ع) دائماً زنان و بچه های خود را با طلا و نقره زینت می داد.

یکی از حکمت های جواز استفاده طلا توسط خانم ها، علاقه ی شدید آنها به زیورآلات است که در آیه ی ۱۸ سوره ی شریفه نحل بیان شده است: «أَوْ مَنْ یُنْشَأُ فِی الْحِلِیَةِ وَ هُوَ فِی الْخِصَامِ غَیْرُ مُبِینٍ». جهت تبیین کامل این مطلب، توضیحاتی پیرامون این آیه و آیات قبل آن، ارائه می شود. خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره ی نحل تا آیه ی ۱۴ از تحکیم پایه های توحید از طریق برشمردن

۱. رُوِّیْنَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ كَرِهَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِلَا حِلٍّ وَقَالَ لَا تُصَلِّي الْمَرْأَةُ إِلَّا وَعَلَيْهَا مِنَ الْحِلْيَةِ أَذْنَاهُ خُرْصٌ فَمَا فَوْقَهُ وَلَا تُصَلِّي إِلَّا وَهِيَ مُخْتَصِمَةٌ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ مُخْتَصِمَةً فَلْتَمَسْ مَوَاضِعَ الْجَنَاءِ بِالْخُلُقِ. (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۵)

نشانه‌های خداوند در نظام هستی و نعمتها و مواهب او، صحبت می‌نماید. در آیات بعدی به نقطه مقابل آن، یعنی مبارزه با شرک و پرستش غیر خدا پرداخته، نخست به سراغ یکی از شاخه‌های آن یعنی پرستش فرشتگان می‌رود و می‌فرماید: «آنها برای خداوند از میان بندگان جزئی قرار دادند» (وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا)، فرشتگان را دختران خدا و معبودان خود پنداشتند، سپس می‌افزاید: «انسان کفران کننده آشکاری است» (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ)، این همه نعمت‌های الهی سراسر وجود او را احاطه کرده که پنج بخش آن در آیات پیشین گذشت با این حال به جای توحید، راه کفران پیش گرفته به سراغ مخلوقاتش می‌رود. در آیه‌ی بعد برای محکوم کردن این تفکر خرافی از ذهنیات و مسلمات خود آنها استفاده می‌کند، چرا که آنها جنس مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، و اصولاً، دختر را ننگ خود می‌شمردند، می‌فرماید: «آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما؟! (أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ)، به پندار شما مقام دختر پائین‌تر است، چگونه خود را بر خدا ترجیح می‌دهید؟ سهم او را دختر، و سهم خود را پسر می‌پندارید؟! درست است که زن و مرد در پیشگاه خدا در ارزش‌های والای انسانی یکسانند، ولی گاه استدلال به ذهنیات مخاطب تأثیری در فکر او می‌گذارد که وادار به تجدید نظر می‌شود. باز همین مطلب را به بیان دیگری تعقیب کرده می‌گوید: «هر گاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده، بشارت دهند صورتش از فرط ناراحتی سیاه می‌شود، و مملو از خشم و غضب می‌گردد!» (وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ)، این تعبیر به خوبی حاکی از تفکر خرافی مشرکان ابله در عصر جاهلیت در مورد تولد فرزند دختر است که چگونه از شنیدن خبر ولادت دختر ناراحت می‌شدند، در عین حال فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند! باز در ادامه این سخن می‌افزاید: «آیا کسی را که در لابلای زینت‌ها پرورش می‌یابد و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله نمی‌توان، مقصود خود را بخوبی اثبات کند فرزند خدا می‌دانید و پسران را فرزند خود؟! (أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ)، در اینجا قرآن دو صفت از صفات زنان را که در غالب آنها دیده می‌شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می‌گیرد مورد بحث قرار داده، نخست علاقه‌ی شدید آنها به زینت‌آلات، و دیگر عدم قدرت کافی بر اثبات مقصود خود به هنگام مخاصمه و جر و بحث بخاطر حیا و شرم. بدون شك، زنانی هستند که تمایل چندانی به زینت ندارند، و نیز بدون شك علاقه به زینت در «حد اعتدال» عیبی برای زنان محسوب نمی‌شود، بلکه در اسلام روی آن تأکید شده است، منظور اکثریتی است که در غالب

جوامع بشری عادت به تزئین افراطی دارند، گویی در میان زینت به وجود می‌آیند و پرورش می‌یابند و نیز بدون شك در میان زنان افرادی پیدا می‌شوند که از نظر قدرت منطق و بیان بسیار قوی هستند، ولی نمی‌توان انکار کرد که اکثریت آنها به خاطر شرم و حیا در مقایسه با مردان به هنگام بحث و مخاصمه و جدال قدرت کمتری دارند. هدف بیان این حقیقت است که چگونه شما دختران را فرزند خدا می‌پندارید و پسران را از آن خود می‌شمرد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶)

هـ - زیبایی زن یکی از ملاک‌های تعیین مهرالمثل

در رابطه با ملاحظه معیارهای تعیین مهر المثل دو گونه از خصوصیات مورد بحث قرار می‌گیرند: خصوصیات فردی و خصوصیات غیر فردی. در مورد خصوصیات فردی جمال و زیبایی زن یکی از معیارها است (زنجان، ۱۴۱۹ق: ۷۱۳۱) س. امام خمینی (ره) می‌نویسد: «هر وقت که ما به مهرالمثل حکم می‌کنیم، احوط ملاحظه حال زن و صفات او از سن و بکارت و نجابت و عفت و عقل و ادب و شرف و جمال و کمال و اضداد اینها است، بلکه هر چه که عرفا و به طور عادی در بالا بردن مهر و نقصان مؤثر است، ملاحظه شود، پس خویشان و فامیل و شهر آن زن و غیر اینها هم ملاحظه شوند» (خمینی، ۱۴۲۵ق: ۵۳۱).

یکی از فقها نیز می‌گوید: مراد از مهرالمثل، مهر امثال آن زن است در اموری که باعث زیادتی و نقص مهر می‌شود، مثل حسن و جمال و عقل و کمال و بکارت و دانستن تدبیر منزل و عیال و صراحت نسب و امثال آن با ملاحظه اقارب آن از طرفین و اضداد اینها. و ظاهر این است که ملاحظه بلد هم می‌شود هر چند اقارب باشد. چون بلاد مختلف می‌شوند در این معنی» (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۸۱). از مذاهب اهل سنت مالکیه جمال را به حسی و معنوی تقسیم می‌کند: «مهر المثل، هو عبارة عن قدر من المال الذي يرغب به مثل الزوج في الزوجة باعتبار ما هي متصفة به من الصفات الحسنة، من محافظة على أركان الدين، والعفة والصيانة والجمال الحسی، والمعنوی وهو جمال الخلق والحسب وهو ما يعد من مفاخر الآباء، الكرم والمروءة والعلم، والصلاح، والمال، والبلد»؛ مهرالمثل مقدار مالی است که زوج به اعتبار آن در زوجه رغبت پیدا می‌کند به جهت صفات نیکویی که در زوجه است؛ مانند مراقبت بر اصول دین، پاکدامنی، دوری از رذائل اخلاقی، زیبایی حسی (ظاهری) و معنوی (حسن اخلاق)، شرافت نسب (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۹۳).

و. حرمت تراشیدن سر برای زن در حج

در مراسم حج، زنان نه تنها موظف به تراشیدن سر نبوده و تنها باید کمی از ناخن یا موی خود را کوتاه کنند، بلکه تراشیدن موی سر بر زنان حرام است^۱ (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۲۲۷). «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا عِيَادَةٌ مَرِيضٍ وَلَا اتِّبَاعُ جَنَازَةٍ وَلَا هَرَوَلَةٌ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ وَلَا اسْتِئْلَامُ الْحَجَرِ وَلَا حَلْقٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۶۴)، پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «نماز جمعه، جماعت، اذان، اقامه، عیادت مریض، دنبال جنازه رفتن، هروله بین صفا و مروه، دست کشیدن بر حجر الاسود و تراشیدن موی سر در حج، بر زنان لازم نیست». صاحب ریاض می‌نویسد: «التقصير متعين على المرأة كما في المختلف وغيره وفي التحرير والمنتهى: ليس عليها الحلق إجماعاً للنسبى: «ليس على النساء حلق، إنما على النساء التقصير» و المرتضى: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن تحلق المرأة رأسها» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۴۷۵).

ز. هزینه وسایل آرایش زنان مشمول نفقه واجب

در کتب فقهی نفقه‌ی زوجه در موارد زیر دسته‌بندی شده است:

۱. نان و خورش: به مقداری که سیر شود، و از نظر کمیّت و کیفیت به شئون زن، عرف و عادت بستگی دارد.
۲. لباس: که از نظر جنس و مقدار بستگی به عرف محل دارد. فراش، که منظور زیرانداز و وسائل استراحت است.
۳. وسایل طبخ و ابزار آشپزی متناسب و متعارف.
۴. وسایل تنظیف و آرایش: فقها در این مورد وسائلی مانند شانه و موادی مانند دهن (کرم) را جزء نفقه ذکر کرده‌اند. ولی درباره‌ی لوازمی که جنبه‌ی تزیین اضافی دارد مانند عطریات و سرمه‌جات، به عدم لزوم آن تصریح نموده‌اند. برخی از فقها خرج و هزینه حمام را نیز بعنوان نفقه نفی کرده‌اند. اما اشتباه نشود که این موضوع نه به آن معناست که خرج

۱. ما ذكرنا من التخيير بين الحلق والتقصير أو وجوب الحلق في تلك الافراد حكم مختص بالرجال، و أما النساء فالواجب في حقهن هو التقصير خاصة بما يحصل به المسمى اتفاقاً نصاً و فتوى، و حكى العلامة الإجماع في المختلف على تحريم الحلق عليهن.

نظافت جزء نفقه نیست، بلکه از آنجا که سابقاً، چنین متداول بوده که افراد در منزل شستشو می کرده‌اند و رفتن به حمام مخصوص طبقه‌ی خاص و یا تنها در حالت‌های بخصوصی بوده، لذا مخارج حمام، جزء مخارج اضافی محسوب می‌شده است. بنابراین در عرف فعلی، علی الظاهر مخارج حمام اعم از آنکه برای غسل باشد یا برای تنظیف جزء نفقه واجب می‌باشد.

۵. مسکن ملکی یا استیجاری و یا استعاری: که با شئون و احتیاجات زوجه از نظر محل و همچنین از نظر داشتن مرافق کافی متناسب باشد.

۶. خدمتکار: چنانچه زوجه از جهت شئون و شرافت خانوادگی در منزل پدرش دارای خادم بوده یا به علت ابتلاء به بیماری نیازمند به خدمتکار می‌باشد، در این صورت مرد مخیر است که خادمی را اجیر کند یا آنکه خود به خدمت زن برخیزد و حوائج او را برآورد یا زن خودش داوطلبانه کارهای مربوط به خود را انجام دهد که در صورت اخیر زن حق مطالبه نفقه‌ی خادم را ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

در پاسخ به سؤال سوم که بیان تعادل فرهنگ اسلامی بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی آنها در جامعه، می‌توان این‌گونه بیان نمود که تعادل در اهتمام به علایق فردی زنان و شرایط اجتماعی جامعه، ویژگی منحصر به فرد فرهنگ اسلامی است. از ویژگی‌های زندگی اجتماعی مورد تأیید اسلام، تعامل زن و مرد با یکدیگر است. آیاتی از قرآن کریم که به تعاون (آیه‌ی ۲ سوره‌ی شریفه مائده) تکامل و مواسات میان جامعه مسلمانان (آیه‌ی ۱۰، سوره‌ی شریفه حجرات) و نیز غیر مسلمانان (آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی شریفه آل عمران/۶۴) توصیه می‌کنند؛ لازمه‌ی آن، ارتباط اجتماعی بین آحاد جامعه، از جمله زن و مرد است. از این رو اباحه ارتباط زن و مرد به عنوان اصل اولیه، پذیرفته شده است جز اینکه دستور دیگری از سوی شارع در مغایرت با آن صادر شود. در سبک زندگی اسلامی برای سامان یافتن روابط اجتماعی، مقرراتی جعل شده است تا سلامت آن را تضمین کند. رعایت عفت، یکی از این ضوابط است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶)، زن و مرد مسلمان در ارتباط با یکدیگر باید عفت ورزیده و پاکدامن باشند (سوره نور، آیه‌ی ۳۳)، در روایات اسلامی، عفت، برترین عبادت دانسته شده و برترین نوع عفت، خویش‌داری در شهوت و خوردن، یاد شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۲۰۳). همین فرهنگ اسلامی که عفت را مطرح نموده، حس زیباییارایی زنان را هم معتبر دانسته است. خداوند

متعال در آیهی ۱۸ سورهی شریفهی زخرف به علاقه زنان به زینت و زیور اشاره نموده است. برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. شریعت اسلامی به رغم اینکه سرمایه‌های اصلی و ماندگار آدمی را کمالات اکتسابی و معنوی می‌داند، اما هم زیبایی را در زنان به رسمیت شناخته و هم به حس زیباگرایی آنان توجه نموده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعادل در اهتمام به علایق فردی زنان و شرایط اجتماعی جامعه، ویژگی منحصر به فرد سبک زندگی اسلامی است. از جمله ویژگی‌های زندگی اجتماعی، تعامل زن و مرد با یکدیگر است. برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. در فرهنگ اسلام، حس زیباگرایی زنان معتبر شناخته شده است. خداوند متعال در آیهی ۱۸ سورهی شریفه زخرف به علاقه زنان به زینت و زیور اشاره نموده است. برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. شریعت اسلامی به رغم اینکه سرمایه‌های اصلی و ماندگار آدمی را کمالات اکتسابی و معنوی می‌داند؛ اما هم زیبایی را در زنان به رسمیت شناخته و هم به حس زیباگرایی آنان توجه نموده است. به همین خاطر پیامبر اکرم (ص) به زعم تأکید به گرفتن ناخن‌ها و اینکه کوتاهی مردم در انجام این وظیفه باعث جلوگیری از قطع وحی خواهد شد، به زنان فرمودند: مقداری از ناخن‌های خود را نگه دارند چون برای آنان زیباتر است. همچنین، در شریعت اسلامی به زعم اینکه، پوشش ابریشم و استفاده از طلا برای مردان حرام است، زنان مجاز به استفاده از آن هستند. افزون بر این، فقیهان یک ملاک در محاسبه مهر المثل را زیبایی زن شمرده‌اند یا آنکه حکم به قصاص یا دیه موی سر را در مردان، به موردی محدود دانسته‌اند که دیگر امکان رویش موی سر نباشد، ولی در مورد زنان حتی اگر ریشه‌های موز بین نرفته و امکان رویش دوباره هم داشته باشد، آن را مورد دیه دانسته و مقدار آن برابر با مهر المثل وی خواهد بود. در مراسم حج، زنان موظف به تراشیدن سر نبوده و تنها باید کمی از ناخن یا موی خود را کوتاه کنند و تراشیدن موی سر بر زنان حرام می‌باشد. این پژوهش تعادل سبک زندگی اسلامی بین علایق فردی و شرایط اجتماعی را به اثبات رساند و هفت مورد از احکام شرعی مرتبط با این زمینه را مورد کنکاش فقهی در ادله معتبره قرار داده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). «جامع احادیث الشیعه»، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، جلد اول.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). «الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره»، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، جلد اول.
۴. تامین، ملوین (۱۳۸۵). «جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی»، ترجمه عبد الحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
۵. جگر، آیسون (۱۳۷۸). «چهار تلقی از فمینیسم»، ترجمه: س. امیری، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). «تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، جلد اول.
۷. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد دوم.
۸. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق). «تذکره الفقهاء (ط - الحديثه)»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، جلد اول.
۹. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۱۰ق). «تحریر الوسیله»، مترجم: علی اسلامی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، جلد ۲۱.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق). «منهاج الصالحین»، قم: مدینه العلم، جلد اول.
۱۱. زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۱۹). «کتاب نکاح»، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول.
۱۲. زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۲). «فمینیسم و دانش های فمینیستی»، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۳. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق). «مهذب الأحکام»، قم: مؤسسه المنار، جلد چهارم.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). «من لایحضره الفقیه»، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۱۵. طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). «ریاض المسائل (ط - الحديثه)»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، جلد اول.

۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۲). «سنن النبی»، قم: صلوه.
۱۷. کد، لوراین (۱۳۸۲). «معرفت شناسی فمینیستی، فمینیسم و دانش های فمینیستی»، ترجمه عباس یزدانی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۸). «تاریخ فقه و فقها»، تهران: سمت، هفدهم.
۱۹. عزتی، مرتضی و شهریاری، لیلا (۱۳۹۱). «ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) در زمینه جمع آوری زکات»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۶. س
۲۰. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲). «سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی»، قم: مرکز پژوهشهای صدا و سیما.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق). «الوافی»، اصفهان: کتابخانه امام امیر المومنین، جلد اول.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). «مراه العقول فی شرح اخبار ال الرسول»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد دوم.
۲۳. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). «روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه»، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانیو، جلد دوم.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد اول.
۲۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳). «جامع الشتات فی أجوبة السؤالات»، تهران: موسسه کیهان، جلد اول.
۲۶. ویلفورد، ریک (۱۳۷۸). «مقدمه ای بر ایدئولوژیهای سیاسی»، بولتن مرجع فمینیسم، ترجمه محمد قائد، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.